

## علم در نگاه ملک الشعراء بهار و حافظ ابراهیم مصری

دکتر زهرا سلیمانی<sup>۱</sup>

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین، پیشوا، گروه ادبیات، ورامین، ایران.

### چکیده

ملک الشعراء بهار و حافظ ابراهیم دو شاعر بزرگی هستند که در ادبیات معاصر ایران و مصر از درخشش خاصی برخوردارند. بروز ادبی آنان در عرصه‌ی اجتماع و سیاست و فعالیت و مداخله شان در امور جامعه به حدی بوده که بهار به «ملک الشعراء» و حافظ ابراهیم به «شاعر النيل» ملقب شده اند. در این مقاله بر آنیم تا نگاه این دو شاعر برجسته و شخصیت اثرگذار اجتماعی را به «علم و دانش» به عنوان یکی از ویژگی‌های جامعه ایده آل از دل اشعارشان دریابیم و جایگاه آن را مورد بررسی و مقایسه قرار دهیم.

**کلید واژه‌ها:** ملک الشعراء بهار، حافظ ابراهیم مصری، شعر، ادبیات تطبیقی، علم و دانش.











او بر این باور است که استواری و کارایی هر دولتی بر پایه دو رکن یعنی قدرت و دانش در کنار هم برقرار است و قدرت تنها را کافی و کارساز نمی داند:

همره سر نیزه، ببايد دو چيز                      مغز حکيم و دل يزدان پرست  
(همان: ج ۱، ۳۵۶)

در نظر بهار هيچ چيزی قابل مقايسه و برابری با گنجينه‌ی علم و دانش نيست، چرا که او در اين مقايسه، انسان توانگر بی علم را فقيري بيش نمی داند:

ای خواهه! به جز سيم و زر چه داری؟                      چون علم نداری دگر چه داری؟  
از علم شود خاک بی هر، زر                      بنگر که ز علم و هنر چه داری؟  
(همان: ج ۱، ۴۴۱)

او از اینکه زنان ما اجازه ندارند در جامعه حضور فعال داشته باشند و برای پیشرفت و تعالی کشور به طریق بالا بردن علم و دانش تلاش نمایند ابراز ناراحتی می کند و می گوید:

زنی کاو به جهان هنر ندارد                      ز حسن بشری خبری ندارد  
بناز ای زن باهنر که عالم                      گلی از تو شکفته تر ندارد  
زنانی که به جهل در حجابند                      ز آداب و هنر بهره نیابند

(همان: ج ۲، ۵۷۷)

به نظر بهار زنی که به دنبال علم و هنر نباشد از زیبایی های آدمی اطلاعی ندارد و زنی که دارای علم و دانش و فرهنگ والاست مانند گلی است که شکفته شده است چرا که بهار زیبایی علم را بر زیبایی صورت ظاهر ترجیح می دهد و سفارش می کند که به حسن و جمال نباید تکیه کرد. اگر ذره ای از نور علم و معرفت در مغز دختری باشد نیکوتر است از خالی که در کنج لبش نشسته است:





علم از بهر چیست ای استاد؟؟؟  
 تا که گیتی شود به علم آباد  
 باید از علم، سود برخیزد  
 چون درختی کزو ثمر خیزد  
 گرچه علم تو، پیچ در پیچ است  
 چون نیوست با عمل هیچ است  
 (همان: ج ۲، ۶۲ - ۶۱)

او ضعف در علوم تجربی را نتیجه‌ی پرداختن بیش از حد به علوم انسانی می‌پندارد:

خود گرفتم شافعی و بو حنیفه زنده گشت  
 یا سخن چون روزگار انوری، ارزنده گشت  
 چیست حاصل، گرنه بیخ فقر و ذلت کنده گشت  
 بخت کشور شد سیه، چون، رخت کشور ژنده گشت

(همان: ج ۱، ۱۴۶)

او باز ماندن از تحصیل علوم و فنون تجربی و مهندسی را نتیجه گرایش زیاد علما به علوم انسانی و ادبی می‌داند و بار دیگر برای تحریض جوانان به روی کردن به علوم جدید و یادگیری آن، چنین می‌گوید:

از سر بنهید جهل و اوهام  
 کوشید به علم و صنعت نو

(همان: ج ۱، ۴۷۳)

البته این گمان شاعر زاییده امر دیگری است، او چون کشور را از همراهی و همگامی با ژاپن (کشور آسیایی مشابه ایران) ناتوان و عقب افتاده می‌بیند نگران و نازاحت است، و در عین افسوس، هشدار هم می‌دهد:

ما و ژاپن همسفر بودیم اندر آسیا

او سوی مقصد شد و در نیمه‌ی ره ماندیم ما

(همان: ج ۱، ۱۴۶)

















- هر دو، ضعف و کمبود شدیدی را در حوزه‌ی علوم تجربی و فنی احساس می‌کنند و بیشتر تأکید بر کسب این علوم دارند چرا که گمان می‌برند در حوزه علوم ادبی و انسانی پیشرفت شایانی داشته و نیاز مبرم امروز و آینده‌ی کشور به علوم جدید است.

- هر دو تنها پیشرفت در حوزه علم و دانش را مایه‌ی عزت و بزرگی و موجب ترقی و برتری بر سایر کشورها می‌دانند.

- هر دو، قدرت تنها را برای برقراری یک دولت کافی نمی‌دانند بلکه دوام یک حکومت و نظام را در داشتن قدرت و دانش در کنار یکدیگر می‌بینند.

- هر دو قائل به مشارکت و حضور فعال زنان در عرصه‌ی اجتماع هستند البته زنانی که آراستگی، زیبایی و فرهیختگی خود را مدیون علم و دانش می‌دانند بنابراین همواره جامعه را تحریض به تحصیل زنان و مهیا نمودن شرایط آن می‌نمایند. و اما موارد تفاوت را می‌توان در نکات ذیل خلاصه نمود:

- به نظر می‌آید دعوت بهار به عرصه‌ی علم و دانش بیشتر جنبه‌ی فردی دارد و فراخوان حافظ بیشتر جنبه‌ی اجتماعی چون او بیش از بهار به نقش مشارکت عمومی جامعه در این عرصه تأکید دارد و این مهم را در گوشه گوشه‌ی اشعارش بیان می‌کند. - بهار بیشتر به ماهیت علم، تعریف و ویژگی‌ها و فواید آن پرداخته است در حالی که حافظ ابراهیم بیشتر به بیان کاربرد و ماحصل عینی آن اشاره کرده است.

- حافظ ابراهیم به دلیل شرایط اقتصادی اجتماعی کشورش، اشعار بیشتری در دعوت و مشارکت عمومی در طرح‌های علمی و آموزشی و ساخت مراکز دانشگاهی دارد و با تعبیر مختلفی آن‌ها را به این امر سوق می‌دهد.

- حافظ در این فراخوان عمومی از مصلحان، فعالان و بزرگان این عرصه نیز یاد کرده و از آن‌ها نیز کمک می‌گیرد و خواهان حمایت هر چه بیشتر ملت از این





